



سعید احمدی پویا



درخشش دو بانک بزرگ ایرانی در روند صدساله بانکداری ایران

در ستایش سپه و ملی

داستان

صد سال بانکداری ایران، از ۱۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۴ آغاز شد. با اینکه هنوز آرامش کامل در سراسر کشور برقرار نشده بود و فعالیت های اقتصادی و بازرگانی تاثیر چشمگیری در حیات سیاسی کشور نداشت، اولین بانک ایرانی به نام «بانک قشون پهلوی»، از محل وجوه صندوق باننشستگی درجه داران ارتش و با هدف سامان دادن به امور مالی ارتش، با سرمایه ۳/۸۸۳/۹۵۰ ریال تاسیس شد. فکر تاسیس یک بانک جدید، با سرمایه و مدیریت ایرانی، از قبل از انقلاب مشروطیت، یعنی ۱۰ سال قبل از تاسیس بانک شاهی ایران، نقل محافل درباری ایران بود. در آن زمان «حاج محمد حسین» که از صرافان بزرگ ایرانی بود، پیشنهاد تاسیس بانکی با سرمایه مشترک دولت ایران و مردم را به ناصرالدین شاه ارائه کرد، اما طرح مورد موافقت شاه ایران قرار نگرفت. تلاش بعدی، از سوی نمایندگان اولین دوره مجلس مشروطیت شکل گرفت که خواستار تاسیس بانک ملی شدند. اما سرمایه لازم برای این خواسته فراهم نشد تا بالاخره «بانک پهلوی قشون» در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۴ تاسیس شد و در ۲۴ اسفند همان سال، اولین شعبه خود را در شهر رشت افتتاح کرد.

در سال ۱۳۰۵ اساسنامه جدید بانک تحت عنوان «اساسنامه بانک پهلوی ایران» تهیه شد که در آن، ماهیت بانک به کلی تغییر کرد و موضوع بانک از ترفیه حال و رفع احتیاجات صاحب منصبان و افراد قشون به رفع احتیاجات در امور تجاری و اقتصادی مردم ایران تغییر کرد و در سال ۱۳۰۶ شعب بانک در مشهد و همدان نیز گشایش یافت و در سال های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ ش، شعبه های دیگری در تبریز و قزوین آغاز به کار کردند.

دو سال بعد از تاسیس «بانک پهلوی قشون»، قانون تاسیس «بانک ملی ایران» در ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۰۶ در مجلس شورای ملی تصویب و این بانک در ۱۷ شهریور سال ۱۳۰۷ با سرمایه ۲۰ میلیون ریال به صورت شرکت سهامی تاسیس شد. قبول سپرده های دیداری و مدت دار، پذیرفتن اسناد تجاری داخلی و دادن وام و اعتبار، خارج ساختن کنترل اقتصاد از دست

بانک های خارجی و سلب امتیاز نشر اسکناس از بانک شاهی در ازای پرداخت ۲۰۰ هزار لیره انگلیسی و اخذ حق انحصاری انتشار اسکناس به مدت ۱۰ سال، اموری بود که به «بانک ملی ایران» محول شد.

در پانزدهم دی ماه سال ۱۳۱۶، نام «بانک پهلوی قشون» به «بانک سپه» تغییر پیدا کرد و این چنین بود که تاریخ صدساله بانکداری ایرانی، با نام بانک سپه و بانک ملی ایران گره خورد. از سوی دیگر، انتهای سال ۱۳۲۸، دو بانکدار ایرانی به نام های مصطفی تجدد و محمد علی مفرح سنگ بنای نخستین بانک خصوصی ایرانی را به نام «بانک بازرگانی ایران» با سرمایه ای حدود ۵۰ میلیون ریال گذاشتند. تاسیس بانک خصوصی در وضعیتی اتفاق افتاد که هنوز بانک مرکزی ایران تاسیس نشده بود و این بانک خصوصی با استناد به قانون تجارت و به صورت شرکت سهامی عام تاسیس شد. حضور موفق این بانک خصوصی در صحنه تجارت ایران سبب شد تا سه سال بعد، پنج بانک خصوصی دیگر کار خود را آغاز کنند. بانک های «صادرات و معادن ایران»، «عمران»، «تهران»، «پارس» و «بیمه بازرگانی» بانک هایی بودند که به کسب و کار بانکی ایران رونق تازه ای دادند.

۱۱ سال بعد از تاسیس اولین بانک خصوصی ایرانی و پس از ۷۴ سال فعالیت بانکداری در ایران، در مرداد ماه ۱۳۳۹، «بانک مرکزی ایران» با سرمایه سه میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال و با مأموریت حفظ ارزش پول، تنظیم اعتبارات، اجرای سیاست های پولی و بانکی و نظارت بر

سیستم بانکی کشور تاسیس شد. مرحوم ابراهیم کاشانی اولین رئیس بانک مرکزی ایران در همان ابتدا به دنبال تدوین «برنامه تثبیت اقتصادی ایران» و اخذ تسهیلات بین المللی برای طرح بود که همزمان با تاسیس بانک مرکزی موفق شد تصویب وام ۳۵ میلیون دلاری صندوق بین المللی پول را اخذ کند. بسیاری از امور حاکمیتی و غیرانتفاعی بانک ملی ایران از قبیل نشر اسکناس، صندوقداری دولت و نگهداری جواهرات ملی و نظارت بر عملیات سایر بانک ها، به بانک مرکزی منتقل شد.

سال ۱۳۴۳ را می توان نقطه ورود رایانه ها به کسب و کار بانکی کشور نامید. دو دستگاه کامپیوتر IBM 1401 در شعبه مرکزی و شعبه کنسرسیوم نفت آبادان بانک ملی تهران نصب و بهره برداری شد. بعد از سال ۱۳۴۵ قیمت نفت افزایش بی سابقه ای یافت و کشور رشد اقتصادی بالای ۱۰ درصد را تجربه کرد و بانک ها خرید دستگاه های متعدد کامپیوتر را آغاز کردند و این بار فقط سراغ شرکت IBM نفرستند و برندهای دیگری نظیر NCR و Honeywell هم در زمره انتخاب های بانکداران ایرانی قرار گرفت.

از سوی دیگر، در بهمن ماه ۱۳۵۱، «بانک بیمه بازرگانان» یک دستگاه خودپرداز نصب و راه اندازی کرد و پس از آن هفت تا ۱۰ دستگاه خودپرداز در شعب بانک های مختلف تهران نصب شد و این نخستین تجربه پرداخت اتوماتیک پول در ایران بود؛ اما این تجربه با استقبال چندانی مواجه نشد و فرایند ایجاد اتوماسیون بانکی تا دهه ی ۶۰ شمسی به تعویق





افتاد. این دوره زمانی «اتوماسیون پشت بانه» نامیده می‌شود و در این دوره فرایند ایجاد اتوماسیون بانکی آغاز شد. در این دوره فقط گزارش روزانه شعب ابتدایه صورت کاغذی و سپس نوارهای مغناطیسی به سیستم‌های اطلاعاتی مرکزی ارسال و در مرکز ثبت می‌شد. همین فرایند سبب ایجاد دقت و سرعت در موازنه حساب‌ها و حذف دفاتر کارت‌های حساب در بانک‌ها شد اما هنوز مشتریان تأثیری در نحوه اخذ خدمت از بانک‌ها احساس نمی‌کردند.

بعد از اینکه بانکدارهای جهانی و ایرانی لذت افزایش دقت در موازنه حساب‌ها را چشیدند، دوره «اتوماسیون جلوی بانه» آغاز شد و در این دوره دستگاه‌هایی شبیه کامپیوترهای شخصی به صورت ترمینال متصل به کامپیوتر سرور داخل شعبه، در اختیار کارمندان بانک‌ها قرار گرفت و اطلاعات مشتریان و کارکرد روزانه شعبه به صورت جزیره‌ای (غیر متمرکز) در کامپیوتر سرور شعبه ذخیره می‌شد و در پایان روز از طریق خطوط مخابراتی استیجاری Dialup یا Leased Line به سرورهای مرکزی بانک‌ها انتقال می‌یافت. از معایب این دوره می‌توان به نبود اتوماسیون جامع و یکپارچه بانکی اشاره کرد که سبب می‌شد اطلاعات شعب به صورت جزیره‌ای در دسترس باشند و شعب به اطلاعات سایر مشتریان در شعب دیگر دسترسی پیدا نکنند.

در اوایل دهه ۷۰ شمسی دوره سوم تحول سامانه‌های بانکی در ایران آغاز شد و در سال ۱۳۷۰ بانک سپه نخستین گام ایجاد اتوماسیون بیرون بانه را پس از انقلاب، برداشت و دسترسی الکترونیکی مشتریان به حساب‌هایشان از طریق دستگاه‌های خودپرداز و بهره‌گیری از کارت‌های مغناطیسی تحت نام تجاری «عابر بانک» میسر شد و پس از این اقدام بانک سپه، بانک‌های تجارت و صادرات نیز در این راه گام برداشتند و بدین ترتیب در سال ۱۳۷۲ از سوی این سه بانک ۴۷ دستگاه خودپرداز در تهران آماده خدمت‌رسانی به مشتریان شدند. در همین سال نخستین دستگاه کارخوان فروشگاه‌های متصل به بانک تجارت در فروشگاه شهروند میدان آرژانتین تهران، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بدین ترتیب دهه ۷۰ هجری شمسی که دهه رشد و شکوفایی اتوماسیون بانکی ایران تلقی می‌شود آغاز شد. این آغاز هیجان‌انگیز، با نصب خودپردازهای بانک سپه کلید خورد و با راه‌اندازی سامانه یکپارچه بانک ملی ایران (سببا) سرعت بسیاری گرفت و پس از پروژه سببا،

بانک صادرات با طرح سپهر، بانک رفاه با طرح جاری همراه، بانک کشاورزی با طرح مهر، بانک ملت با طرح جام و بانک‌های خصوصی با طرح بانکداری ۲۴ ساعته، قدم در راه تولید سامانه‌های یکپارچه بانکی گذاشتند؛ در این دوره مشتریان با بهره‌گرفتن از تلفن یا مراجعه به دستگاه‌های خودپرداز و استفاده از کارت‌های مغناطیسی می‌توانستند به حساب‌های خود دسترسی پیدا کنند و عملیات انتقال وجه، برداشت وجه و مشاهده مانده و صورت حساب‌های خویش را به صورت الکترونیکی انجام دهند. مهم‌ترین دستاورد این دوره زمانی یاد دوره چهارم تحول بانکی، یکپارچه‌سازی سیستم‌ها و مرتبط کردن مشتری با تمامی عملیات بانکی به شمار می‌رود. در این دوره به دلیل متمرکز شدن و یکپارچه‌سازی بانک‌های اطلاعاتی و خدمات بانکی، مشتریان توانستند اکثر خدمات بانکی مورد نظر خود را از تمامی شعب یک بانک دریافت کنند؛ از سوی دیگر به دلیل متمرکز شدن اطلاعات مشتریان و حساب‌های بانکی در مرکز، این امکان فراهم شد که بانک‌ها به تولید و خریداری سامانه‌های هوش تجاری، شناسایی تخلف و مبارزه با پولشویی روی آورند که نتیجه‌ی آن نظارت، ارزیابی و پایش و استخراج اطلاعات به صورت متمرکز در کمترین زمان بود و امکان تهیه گزارش‌های لحظه‌ای از وضعیت منابع و مصارف بانک نیز به منظور تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مدیران ارشد بانک فراهم شد. از این دوره تا حدودی فشار از بخش تحویل‌داری شعب بانک‌ها برداشته شد اما هنوز مشتریان از دریافت خدمات بانکی به صورت حضوری احساس رضایت بیشتری می‌کردند و پول کاغذی هنوز رواج داشت و واریز و دریافت وجه نقد همچنان یکی از فشارهای کاری روزانه شعب بانک‌ها بود. بانک مرکزی در سال ۱۳۷۲ وارد عرصه بانکداری الکترونیکی شد و طرح جامع اتوماسیون سیستم بانکی در مجمع عمومی بانک مرکزی به تصویب رسید و با تأسیس شرکت ملی انفورماتیک و شرکت خدمات انفورماتیک، حرکت به سمت ایجاد سوییچ ملی بانکی را آغاز کرد. در سال ۱۳۸۰ کار گروهی باریاست مرحوم دکتر نوربخش، رئیس کل فقید بانک مرکزی، و با حضور مدیران کل بانک‌ها و مدیران شرکت‌های زیرمجموعه به منظور تحول در نظام‌های پرداخت و تسویه‌تکلیف شد. در آن زمان سعی شد از تجربه‌های موفق نظام‌های پرداخت بین‌المللی به ویژه کشورهای آسیایی در پیاده‌سازی نظام‌های ملی پرداخت بهره‌گرفته شود و به همین منظور بانک مرکزی

از مشاوره‌های خانم «جایماها» معاون وقت رئیس کل بانک مرکزی سرانجام و کارشناسان ارشد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در طراحی نظام ملی پرداخت بهره‌گرفت؛ در همان سال، مجموعه مقررات حاکم بر مرکز شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی موسوم به شبکه شتاب مصوب و در سال ۱۳۸۳ اداره نظام‌های پرداخت در بانک مرکزی ایران تأسیس شد.

در سال ۱۳۸۱ شبکه شتاب یا همان شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی با هدف فراهم‌سازی زیرساخت ارتباطی لازم بین شبکه پرداخت بانک‌ها کارش را آغاز کرد. شتاب که اولین زیرساخت و سامانه ملی بانکی بود و در ادامه آن، ساتنا، سحاب، مرکز مکننا، تابا، مرکز شاپرک، سپام و چکاوک شکل گرفتند و هر کدام از این سامانه‌های ملی به همراه پرسنل متعهد و متخصص بخش‌های فناوری اطلاعات بانک‌ها توانستند تجربه لذت‌بخش بانکداری الکترونیکی و در ادامه بانکداری دیجیتال را برای مشتریان شبکه بانکی مهیا کنند.

در پایان این دهه‌ها، اگر تحولات ایجاد شده در تغییر ذائقه مشتریان بانکی و نحوه ارائه خدمت شبکه بانکی کشور مورد بررسی دقیق قرار گیرد، عملکرد و تأثیر دو بانک سپه و بانک ملی ایران به وضوح فراتر از سایر بانک‌های ایرانی است. بانکداری در ابتدای این دهه‌ها به بانک ایرانی شکل گرفت و در آغاز فرایند اتوماسیون یکپارچه بانکی، باز این دو بانک ایرانی پیش‌تاز تحولات بانکی شدند و با نصب خودپردازها و صدور کارت‌های مختلف بانکی، ذائقه مشتری بانکی ایرانی را از تجربه خدمات حضوری به تجربه خدمات غیر حضوری تغییر دادند. حال در پایان این سده، بانک ملی ایران با پروژه‌های متفاوت مانند پیام‌سان بانکی، بله، سامانه بام و نشان پرداخت سعی در ارائه خدمات متفاوت بانکی در بستر بانکداری دیجیتال دارد و از سوی دیگر بانک سپه، با اجرای موفق پروژه بزرگ ادغام پنج بانک نظامی بزرگ (بانک‌های انصار، قوامین، حکمت ایرانیان، مهر اقتصاد و موسسه اعتباری کوثر) در بانک سپه بدون کمترین وقفه در ارائه خدمات به مشتریان، نشان دادند هنوز توان بالایی در ایجاد تحولات بزرگ در زیرساخت بانکی ایران دارند. از این رومی‌توان در بررسی تاریخ صدساله بانکداری ایرانی به احترام این دو بانک بزرگ، بانک سپه و بانک ملی ایران، کلاه از سر برداشت و آرزو کرد در سده جدید، همچنان این دو بانک پیش‌تاز تحولات شگرف بانکی و خلق تجربه‌های هیجان‌انگیز برای مشتریان بانکی ایرانی باشند (۱۵)